

دولت اعتدال و اعتراض معلمان

ثریا شهابی



اعتصاب سازمان یافته و سراسری هزاران معلم معترض به دستمزد های زیر خط فقر و دورنمای اعتراضات و اعتصابات بیشتر معلمان، بعلاوه تحرکات و اعتصابات پی در پی طبقه کارگر در اعتراض به دستمزدهای ناچیز و پرداخت نشده، سکوت و رضایتی که دولت اعتدال روی آن بیش از حد حساب باز کرده بود را به تاریخ سپرد. آشتی با غرب و پایان مناقشه هسته ای، گشاد کردن صندلی رقابت در تخاصمات خاورمیانه و دمیدن در باد نفخرات پوسیده ناسیونالیستی، تمام اعتدالی است که از روحانی تا ولی فقیه و رفسنجانی و موسوی و کروبی، میتوانند به خرج دهند.

جز پادوهای خارج از حکومت دولت اعتدال امثال توده - اکثریت و مغضوب شدگان دواخوردادی، کسی در میان نفرات اول حکومت صحبتی از "اعتدال" در آزاد گذاشتن آزادی عقیده و بیان و فعالیت سیاسی و هنری و اجتماعی، اعتدال در حتی کاهش احکام زندان فعالین سیاسی و رهبران و سازماندهندگان اعتراضات کارگری، نداشته و ندارد.

تبلیغات در مورد امکان "اعتدال" جمهوری اسلامی در تحمیل فقر و گرانی و دستمزدهای زیر خط فقر و ایجاد تشکل های مستقل دولتی، اسطوره ای است که تنها توسط اصناف معینی بنام استاد دانشگاه و اقتصاددان و متخصص امور کارگری به آن دامن زده میشود و ماتریال داغ نگاه داشتن بساط کسب و کار آنها است.

دولت اعتدال، به زبان خوش نه یک ریال به حقوق های ناچیز معلمان اضافه خواهد کرد، نه دستمزد زیر خط فقر طبقه کارگر را افزایش میدهد، و نه تشکل مستقل، سندیکا و اتحادیه و تشکل صنفی و کلوپ و انجمن و ... را تحمل میکند. ... صفحه ۲

گوش را به زمین بچسبانید!

فواد عبداللهی



محسنی اژه ای، معاون اول قوه قضاییه جمهوری اسلامی، دیروز در مراسم "معارفه" رییس جدید دادگستری استان البرز گفت: "به مرکز اطلاعات و فناوری ملی و بومی نیاز داریم تا شاهد شایعه سازی و دروغ پراکنی ها نباشیم؛ این وضعیت جالب نیست و یک خبر دروغ کشور را بر هم می ریزد... باید همدلی و همزبانی را در عمل بروز دهیم

دولت و مجلس جدید

در حاشیه نتیجه انتخابات بریتانیا

ثریا شهابی

انتخابات عمومی در بریتانیا، و برد غیرقابل پیش بینی محافظه کاران، بلافاصله به موجی از ترس، نگرانی، خشم و نارضایتی در سراسر بریتانیا دامن زد. تظاهرات مردم خشمگین در لندن، در فردای انتشار خبر نتیجه انتخابات، این پیروزی را به کام محافظه کاران تلخ کرد. جایگاه اسکاتلند در نتیجه این انتخابات، و تغییر توازن قدرت به نفع این کشور، کلیدی و غیر قابل انکار است. برد محافظه کاران بیش از آنکه محصول خوش بینی هیچ بخش مهمی از جامعه نسبت به سیاست های راست این حزب باشد، محصول ترس و وحشتی است که

تا مردم امنیت و آرامش را لمس کنند و در سایه همین امنیت است که سایر بخش ها نیز پیشرفت می کند. ... از این صریح تر و موجز تر نمیتوان گفت که آنچه در ایران امروز می گذرد، مسله دعوای جناح ها نیست، بلکه مبارزه و کشمکش بین کمپ داراها و اردوگاه داراها است؛ مبارزه ای که تا نظام سرمایه داری در ایران بر سر کار و نهاد دولت برقرار است، ادامه خواهد داشت. اردوگاه مساوات طلایی در برابر استبداد سیاسی و بردگی کار مزدی! آری، جناب اژه ای؛ "این وضعیت جالب نیست و یک خبر دروغ کشور را بر هم میریزد." صفحه ۳

ناسیونالیسم عظمت طلب انگلیسی در مقابل رشد غیرقابل چشم پوشی (SNP) حزب "ملیگرای اسکاتلند"، در دل مردم ایجاد کرد! حزب "ملیگرای اسکاتلند" چپ و رادیکال، حزبی است که در راس رفراendum برای جدایی اسکاتلند بود. تبلیغات ناسیونالیسم عظمت طلب انگلیسی نسبت به خطر رشد این حزب و جدایی اسکاتلند و ایجاد رعب نسبت به "خطر از هم پاشیدن اتحاد بریتانیا" و همچنین تلاش حزب کارگر برای نمایندگی این ناسیونالیسم و فاصله گرفتن از (SNP)، از یک طرف باعث عروج غیرقابل پیش بینی حزب محافظه کار شد و از طرف دیگر با "جارو شدن" حزب کارگر از اسکاتلند، موجب عروج بی سابقه حزب ملیگرای اسکاتلند، بعنوان سومین حزب بزرگ بریتانیا شد. پارلمان و ساختار سیاسی حکومت بریتانیا پس از این انتخابات، تغییرات مهمی را تجربه میکند. ... صفحه ۲

رهایی سوسیالیستی، تنها پاسخ به اقتصاد ایران

منصور حکمت صفحه ۴

جنایتی که بی جواب نماند!

دفتر کردستان حزب حکمتیست - خط رسمی صفحه ۲

آزادی برابری حکومت کارگری

آنچه که این دولت در آن مهارت تاریخی دارد، فرصت خریدن با تهدید امنیت شخصی - سیاسی و گرو گرفتن معیشت مردم، تعرض به فعالین و سازماندهندگان اعتراضات، و تلاش برای درهم شکستن اتحاد و تشکل و همبستگی آنها است. فشار کراهت اول مه دولتی امسال و فریاد تفرقه افکنانه علیه کارگر با پیشینه افغانستانی، هنوز بر فضای اعتراضات کارگری سنگینی میکند.

صف فعالین سیاسی و فعالین کارگری زندانی، لیست اتحادیه ها و سندیکاها و انجمن های سیاسی و صنفی و هنری و

اجتماعی مورد حمله قرار گرفته و سرکوب شده، به هر دست اندرکار بهبود معیشت مردم، راه خلاصی از بیکاری و بی تامینی و دستمزدهای زیر خط فقر را نشان میدهد.

دیوار "سکوت و رضایت"ی که روحانی و دستگاه حکومتی، از بیت امام تا مجلس و وزارت خانه های رنگارنگ به آن امید بسته بودند، با صدای اعتراضات کارگری و اعتصاب سراسری معلمان، مدتهاست که شکسته شده است.

حفظ اتحاد و همبستگی، حفظ فعالین و سازماندهندگان اعتراضات و اعتصابات، تشکل یابی و سازمانیابی به شکلی که فرصت تعرض و دستگیری و

دولت و مجلس ...

عروج حزب چپ گرا و رادیکال ملیگرای اسکاتلند و کسب ۵۶ کرسی از ۵۹ کرسی اسکاتلند و برد محافظه کاران در انتخابات عمومی، با پرچم حفظ اتحاد بریتانیا، فی الحال شکافی عظیم در ساختار سیاسی بریتانیا بوجود آورده است.

پولاریزاسیونی که در بالا در مقابل جامعه قرار گرفته است، بعلاوه اعتراض و فشار از پایین، تظاهرات لندن علیه دولت محافظه کار و سیاست های ریاضت اقتصادی آن، دولت تازه این کشور را با چالش های مهمی روبرو میکند.

این انتخابات، همچنانکه پیش بینی میشد، تغییرات مهمی در صف بندی احزاب اصلی پارلمانی بریتانیا بدنبال داشت. رهبران دو حزب اصلی، حزب کارگر و لیبرال دمکرات، استعفا دادند و احزاب شان دچار بحران هویتی شد. اگر حزب محافظه کار، یک حزب دست راستی مستقیم است، نه "حزب کارگر" حزب کارگر است و نه

"حزب لیبرال دمکرات"، لیبرال و دمکرات است! بریتانیا دور کاملاً متفاوتی از ساختار سیاسی، را پیش رو دارد. رابطه قدرت و حفظ اتحاد اسکاتلند و ایرلند شمالی و ویلز و انگلیس به شکل قدیم، با دشواری های جدی روبرو خواهد شد.

بعلاوه حکومت یک دست محافظه کاران که راه برون رفتی برای خلاصی از رکود اقتصادی ندارند و مقاومت جامعه در مقابل ریاضت اقتصادی بیشتر و زدن بیشتر از تامین اجتماعی، بریتانیا را در ۵ سال آتی حکومت محافظه کاران، پرتنش و بحرانی خواهد کرد.

سوال این است که آیا طبقه کارگر و محرومان جامعه، در شرایط پیش روی، با فاصله ای که از این احزاب پالمانی نشان داده اند، برای دخالت مستقل و مستقیم در سرنوشت جامعه، بیشترین استفاده را خواهند کرد و به میدان خواهند آمد. شواهد نشان میدهد که تحركات از پائین بر متن شکاف در بالا، فرصت های خوبی برای دخالت حکومت شوندگان فراهم میکند.

گیرنده اند و هم مجری، محدودیت های سیاسی - امنیتی انتخاب هیئت های مدیره و نمایندگان دائمی و دوره ای کارگران را ندارد.

این تنها راه ایجاد هر تشکل و سازمان دمکراتیک و متکی به اعضا است که در عین حال محیط فعالیت سیاسی رهبران عملی و سازماندهندگان اعتراضات را امن و آنها را از دسترس پلیس محفوظ میدارد.

حمله را از دشمن بگیرد، تنها راه پیش روی است.

مجمع عمومی و رجوع به آن بعنوان کارترین، امن ترین، وسیع ترین، دمکراتیک ترین تشکل و سازمان هر اعتراض و اعتصاب و تحرکی، دشمن را خلع سلاح و شرایط دست یافتن به مطالبات را آسان تر میکند. بعلاوه متکی کردن هر انجمن و سندیکا و اتحادیه و سازمانی به مجمع عمومی سازمانیافته، مجامع عمومی که هم تصمیم

جنایتی که بی جواب نماند!

دفتر کردستان حزب حکمتیست - خط رسمی

جنایت عوامل رژیم در هتل تارای مهاباد و فرار فریناز خسروانی یک دختر کارگر از تجاوز، توسط مردم مبارز مهاباد بی جواب نماند. ما به عکس العمل سریع و اعتراض انسانی مردم مهاباد درود می فرستیم. تحمل تحقیر و ستم و تبعیض و کشتار توسط رژیم زن ستیز جمهوری اسلامی، داستان زندگی ما است. دشمنی حاکمیت اسلامی و حامی مردسالاری حد و مرز نمی شناسد. دیروز اسید پاشی بروی دختران و زنان در اصفهان بود، امروز وادار کردن دختر جوان و کارگر به خودکشی برای نجات از توحش تجاوز در مهاباد؛ و باز دیروز له کردن فرخنده در افغانستان توسط توحش دست پرورده اسلاميون و فروش زنان در بازار بردگی اسلامی در خاورمیانه...

این داستان تا زمانی که جمهوری اسلامی سر پا است و تا زمانی که افسار توحش اسلامی در کل منطقه کشیده نشود، ادامه خواهد داشت. خشم و نفرت زنان و مردان و جوانان مهاباد نشان از عزم انسان هایی است که نمی خواهند قربانی و تسلیم این جنایات باشند. عکس العمل انسانی وسیع مردم در اصفهان و کابل و شنگال و امروز در مهاباد، گوشه هایی از جنگی روزمره و آشکار انسانیت علیه توحش اسلامی و مردسالاری و ضدیت با زن در کل منطقه است. این جنگی است که باید به عمر این جنایات خاتمه دهد.

روزی که جمهوری اسلامی با قیام توده ای کارگران و زحمتکشان پایین کشیده شود، روز جشن زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب است. روز پایان تبعیض و آپارتاید جنسی نه تنها در ایران بلکه در منطقه است.

با تدارک قیام و انقلابی توده ای برای آزادی و برابری، یاد چهره های سوخته ی دختران اصفهان، یاد زنان اسیر و برده ی اسلاميون در منطقه و یاد فرخنده ها و فرینازها و همه عزیزانی که قربانی یک نظام انسان ستیز و ضد زن شدند را گرامی می داریم.

دفتر کردستان حزب حکمتیست - خط رسمی

۱۹ اردیبهشت ۹۴ (۸ مه ۲۰۱۵)

خوب گوش تان ...

حقیقت اینست که میزان اعتصابات و اعتراضات کارگری در یکسال اخیر در طول عمر جمهوری اسلامی کم سابقه بوده است. کمتر کسی است که نداند اژه ای روی سخنش به چه کسانی است؛ آنها هم در این روزهای سخت و طاقت فرسای مبارزه طبقاتی! روزهایی که بعنوان نماد مقاومت و اعتراض طبقه کارگر ایران بر سر مسله معیشت، بر سر بیمه بیکاری، اعتراض به بیکارسازی ها و سطح نازل دستمزدها، در ادامه تاریخ مبارزاتی این طبقه ثبت خواهند شد.

به این اعتبار، "امنیت و آرامش" سرمایه و سرمایه دار و دولتشان، کاملا قابل درک است. در نظامی که میلیاردرهایش دست به سیاه و سفید نمی زند و روز به روز به ثروشان افزوده میشود، عریضه های اژه ای در مورد "امنیت و آرامش" نشان از بزخو کردن دولت اعتدال و کل بورژوازی ایران در مقابل کارگران است. بورژوازی ایران نه اعتصابات کارگری ۳۶ سال پیش را که تیر خلاصی بر شقیقه رژیم سلطنت زد، فراموش کرده است و نه از قدرت میلیونی توده کارگرانی که چند هزار نفرش میتواند اقتصاد مملکتی را بخواباند، غافل است. در اینجا "وضعیت اصلا جالب نیست".

باید پرسید که این چه جور "امنیت"ی است که روزی تحت نام "سازندگی" و "اصلاحات" و روز دیگر با آرم "اعتدال"، نیازمند بسیج زرادخانه سرکوب دولتی، تحمیق ایدولوژیک و عوامفریبی سیاسی است؛ این چه نوع "پیشرفت"ی است که شرط آن در تحمیل بیکارسازی وسیع و به فلاکت کشاندن طبقه

کارگر و خانواده کارگری است؛ این چه "توسعه"ای است که در گرو عدم پرداخت دستمزدها، افزایش کشنده ساعات کار، استثمار شاق، تابلوی قیمت ارز و سکه صرافیها است؛ این چه "آرامش"ی است که محتاج دوربین های مداربسته، تابلوهای "اعتصاب و تشکل ممنوع" در محل کار، برگه های قرارداد اجاره کارچاق کن های معاملات ملکی و صاحب خانه های دندان گرد، است؟

در پس این معرکه، تاریخ واقعی در جهت دیگری سیر میکند. گوش را باید به زمین چسباند و لرزش بنیادهای این نظم کهنه را حس کرد. جدال جاری در جامعه ایران مقابله یک عده مکلا با یک عده معمم نیست، کشمکش تجار سنتی و تکنوکرات های پاپیونی نیست، بلکه جدال مساوات طلبی با استبداد بورژوازی، جدال بین کار و سرمایه در همه اشکال آن است. دو سال پیش، وقتی روحانی آمد و بخش اعظم اپوزیسیون بورژوازی را با خود بسیج کرد و برد، فقط ما کمونیست ها با قاطعیت گفتیم که سرمایه داری ایران و حاکمیت بورژوازی در این کشور، ظرفیت کمترین گشایش سیاسی واقعی حتی در صفوف خود را ندارد. این واقعیت نه ناشی از مدیریت بد این و آن دولت، که محصول نیاز بنیادین سرمایه در ایران به سلطه یک نظام تماما مختنق، یک دست و متمرکز است. دولتی که بتواند با ساکت نگاه داشتن نیروی کار، شرایط امن و با ثبات تولید و بازتولید سرمایه در جامعه را با اتکا به نیروی کار ارزان، تضمین کند. ما گفتیم که سرکوب و دیکتاتوری عریان جز لاینفکی از سرمایه داری در ایران بوده و

کماکان خواهد ماند.

ما بدرست تاکید کردیم که وضعیت اقتصادی و تحریم دول غربی برای جمهوری اسلامی امکانی است که کوچکترین اعتراض به شرایط موجود را به بهانه تحریم "دول خارجی" سرکوب و ساکت کند. و دقیقا بر این مبنا کل اپوزیسیون بورژوازی همراه با میدیای درون و برون مرزی به دولت اعتدال "لیک" گفتند. همه با هم در این کلپ، پیروزی روحانی را امید گشایش سیاسی و اقتصادی در جامعه جار زدند. کل بورژوازی ایران و احزاب رنگارنگ آن، سعی کردند که به کارگر بقبولانند که اگر گشایشی در اوضاع فعلی می خواهد، بایستی چشم انتظار دولت اعتدال باشد.

امروز معلوم شده که ارزیابی و تحلیل ما از "دولت اعتدال" و سیاست تمکین به وضع موجود بورژوازی ایران، چه ریشه های عمیقی در واقعیت داشت. امروز باید برای هر کارگر و کمونیستی روشن شده باشد که دولت اعتدال چیزی نیست جز کمیته مشترک کل بورژوازی ایران! کمیته ای که نیاز سرمایه به سود و لاجزم سرکوب را نمایندگی میکند. به این اعتبار، برای طبقه کارگر و کمونیستها دوران عمل است، دوران جذب نیرو است، دوران رشد و تبلیغات وسیع است، دوران سازمانگری و دخالتگری است. دوران متکی کردن اعتراضات جاری طبقه کارگر به مجامع عمومی، بعنوان ممکن ترین، امن ترین شکل حفاظت از رهبران کارگری، مناسبترین، و توده ای ترین شکل پایدار سازمانیابی طبقه کارگر است. دخالت این طبقه در سیاست نیازمند تحزب و تشکلی است که به امر انقلاب کمونیستی و کارگری کمک می کند. طبقه کارگر تنها و تنها با اعتراضات و سازماندهی مبارزات خود، بمثابه یک طبقه برای

رهایی سوسیالیستی ...

نظامی که در آن طرح و نقشه آگاهانه اعضای جامعه مشخصات روند تولید و تکنولوژی مورد استفاده را تعریف میکند و نه انگیزه سودآوری بنگاههای کاپیتالیستی و جنگ آنها بر سر گرفتن سهم بزرگتر در بازار. اینکه من باتری مصرف شده را در آشغالدانی نیندازم و پیفپاف مصرف نکنم، پاسخ سوراخ عظیم اوزون بالای قطب جنوب نیست. مسأله بر سر اقتصاد سیاسی جهان معاصر است. و این فورا شما را با سرمایه به معنی وسیع کلمه، با مالکیت طبقاتی بورژوازی بر وسایل تولید و ماهیت ابزاری دولت و میدیا برای طبقه سرمایه دار مواجه میکند. نمیشود سرمایه و سرمایه داری را به حال خود گذاشت، اما جلوی تخریب محیط زیست را گرفت. جرج دبلیو بوش صاف و ساده علت مخالفت آمریکا با توافقات کیوتو را مضر بودن آن به حال بیزنس آمریکا اعلام میکند. اگر خصلت مخرب سرمایه داری برای بشریت و تناقص این نظام با شکوفایی جامعه بشری بخواهد مصدافی داشته باشد، همین محیط زیست گویاترینش است. مبارزه طبقاتی فقط بر سر دستمزدها نیست. بر سر جامعه است. بر سر آینده است. مسأله محیط زیست و آینده کره زمین هم به مبارزه طبقاتی گره خورده است.

منبع: آرشیو آثار منصور حکمت
<http://hekmat.public-archive.net/>

خود، قادر خواهد بود که توازن قوا دیگری را به جمهوری اسلامی تحمیل کند و کل ماشین سرکوب و اختناق آن را در هم پیچد. این تنها کمونیسم طبقه کارگر است که نشان خواهد داد هراس بورژوازی و دولت اش موجه است. اژه ای به چه زبانی بگوید که از این وحشت دارد که دور آتی تحركات و تحولات درست متعلق به کارگران کمونیست باشد!

مرکز جمهوری اسلامی
زنده باد سوسیالیسم

رهایی سوسیالیستی، تنها پاسخ برای اقتصاد ایران

جناب آقای اسدی

با تشکر مطلبی که خواسته بودید را منهای متن خود سوالات برایتان فاکس میکنم. امیدوارم خوش و موفق باشید.

منصور حکمت

۱۳ اوت ۲۰۰۱

پاسخ سوالات تلاشگران

۱- قبل از هر چیز، فکر نمیکنم با همین مشاهده شما موافق باشم. برای برجسته کردن شاخه‌های انگلی در اقتصاد ایران امروز، قدری در این تصویر اغراق کرده‌اید. بزرگترین بخش جمعیت ایران را کارگران و کارکنان مزدبگیری تشکیل میدهد که در واحدهای تولیدی و خدماتی مختلف کار میکنند. از این گذشته ایران یکی از بزرگترین تولید کنندگان نفت در سطح جهانی است. از نظر تولید و تکنولوژی یک کشور میانه حال در بیرون حاشیه جهان پیشرفته صنعتی است. قشر تحصیلکرده و متخصص وسیعی دارد. یک طبقه کارگر باسواد و از نظر تکنیکی نسبتاً پیشرفته دارد. مشکل اول ایران برای تبدیل شدن به یک قدرت صنعتی و اقتصادی نیروی انسانی کارآمد و متخصص نیست، بلکه نظام اجتماعی و سیاسی است.

اما در پاسخ سؤال اصلی شما باید بگویم که نه فقط در ایران، بلکه در هر کشور دیگر در دنیای امروز با جهانی شدن تکنیک و تخصص و اطلاعات، نیروی اصلی تکامل و پیشرفت اجتماعی و اقتصادی، انسان آزاد است. انسان رها شده، انسانی که اختیار زندگی فردی و جمعی خود را به کف آورده باشد و بتواند توان و خلاقیتش را در خدمت رفع نیازهای خود و جامعه‌اش آزادانه بکار بیندازد. عقب‌ماندگی اقتصادی در دنیای

امروز بارومتر و شاخص اسارت و انقیاد سیاسی مردم است. فقر علامت بی‌حقوقی است. عقب‌ماندگی اقتصادی جامعه نشان فروکوفتگی سیاسی و فرهنگی انسان است. و از این رو در واقع این تنها حزب کمونیست کارگری است که به مسأله عقب‌ماندگی اقتصادی و تولیدی جامعه پاسخ دارد. یک جامعه آزاد، رها، خوشبین و یک نظام سیاسی که حق و حرمت شهروندان را بالاتر از هر اصلی میداند، مایه یک انفجار عظیم در قدرت آفرینش و سازندگی مردم ایران خواهد شد. آنوقت خواهیم دید که چقدر این مملکت آدم متخصص و توانا دارد. ما لازم نیست از امروز کسی را آموزش بدهیم، ما باید کاری کنیم که موانع سیاسی دخالت مردم در سرنوشت اجتماعی و اقتصادی‌شان برطرف شود. انقلاب کارگری، رهایی سوسیالیستی، تنها پاسخ برای اقتصاد ایران است. کسی که میگوید جمهوری اسلامی باید آنقدر در شاهراه اصلاح‌طلبی ملی-اسلامی پیش برود و اسلام و آخوندیسم در ایران آنقدر پاستوریزه و آمریکائیزه بشود که سرمایه و تکنیک و متخصص آسیای جنوب شرقی و قلب اروپا و آمریکای شمالی را رها کند و به ایران سرازیر بشود، دارد وقت مردم را تلف میکند.

۲- ایران سوسیالیستی کشوری پهناور با ۶۰ - ۷۰ میلیون جمعیت در یکی از حساس‌ترین نقاط دنیا خواهد بود. جامعه آزاد ما اگر از تهدیدات و توطئه‌های نظامی مرتجعین در سطح جهانی مصون بماند و وجود خود را به هر حال به سرمایه‌داری جهانی بقبولاند، آنوقت به عنوان بخشی از همین دنیا، قدرت‌ها باید با آن کنار بیایند. ما هم با سر به دیوار سنگی این سرمایه‌داری جهانی حمله نخواهیم

و یا نتوانستن اعضای جامعه نیست، بلکه موانعی است که نظم موجود بر سر تغییر قرار میدهد. سیستم اجتماعی موجود به هزاران شیوه، از قهر و خشونت عریان توسط ارتش و پلیس، تا ادیان و سنن و ساختار فرهنگی حاکم، از فشار اقتصادی تا مغزشویی در سیستم آموزشی و در رسانه‌های جمعی، از موجودیت خودش دفاع میکند. اگر این موانع در هم شکسته بشوند، موج ترقی‌خواهی و انسان‌دوستی مردم، توسعه اقتصادی و فنی خیره‌کننده‌ای ببار می‌آورد. تمدن کهنه در برابر تمدن نوینی که مدتهاست ممکن و ضروری شده است، به هر قیمت از خودش دفاع میکند. مشکل، عقب‌افتادگی مردم نیست، ارتجاعی بودن نظام اجتماعی و سیاسی دنیای معاصر است. در ایران این حقیقت را به توان ده میشود دید.

۴- راستش خیلی وقت بود این اصطلاح "ضاد اصلی" را نشنیده بودم. اگر منظورتان این است که آیا ما جدال طبقاتی در جامعه سرمایه‌داری معاصر را کلید تحول تاریخی میدانیم، پاسخ مثبت است. اگر چیز مهمی را در دنیا میخواهیم عوض کنیم، این دریچه ورود به مسأله است. اتفاقاً مسأله محیط زیست این واقعیت را آشکارتر و صریحتر از هر موضوع دیگری بنمایش میگذارد. محیط زیست دیگر چیزی نیست که پاسخ فرهنگی و اخلاقی و فردی و کشوری داشته باشد. صحبت بر سر رابطه کل نظام تولیدی جهانی بشر با کره ارض است. اگر میخواهیم با کره زمین رفتار متفاوتی داشته باشیم، باید نظام تولیدی را بر مبنای متفاوتی قرار بدهیم. ...

صفحه ۳

سازمان حزب حکمت

حکمت

www.hekmatist.com

سردبیر: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

تماس با حزب

hekmatistparty@gmail.com

کرد. ایران سوسیالیستی سیاستی بسیار هوشمندانه خواهد داشت. به موازات گلوبالیزاسیون (که شخصا آن را یک وجه اجتناب‌ناپذیر از سرمایه‌داری جهانی میدانم و خواهان عقب‌گرداندن چرخ تاریخ نیستم) شاهد این هم هستیم که شهروندان بخصوص در قلمرو تبادل اطلاعات و سازماندهی فشار به بالا، قدرت عمل بیشتری یافته‌اند. دولتهای غربی حرف آخر را درباره انتقال اطلاعات و تکنولوژی در عصر ما نمی‌زنند. جمهوری سوسیالیستی در ایران یک جامعه باز، در دسترس مردم جهان و پذیرای تمام سهم‌گذاری‌ای خواهد بود که مردم آزاد اندیش جهان، علیرغم میل سران سیاسی دنیای بورژوازی، در آن خواهند کرد. مردم جهان، ایران آزاد را قبله خودشان قرار خواهند داد. عرصه‌ای برای شکوفا کردن یک مدل آترناتیو، یک زندگی آترناتیو. ایران سوسیالیستی یک جامعه خاکستری نخواهد بود. خیلی رنگین، خیلی جهانی، خیلی شلوغ. کانون خلاق‌ترین و پرشورترین و پرمایه‌ترین چهره‌های دنیای معاصر از کشورهای مختلف.

۳- ما با انقلاب سر کار می‌آییم و پروسه انقلابی، فرهنگ و ذهنیات کهنه را بسرعت نقد و جارو میکند. انقلاب یک نوع تولد دیگر است. چشم‌گشودنی است به ارزشها و روشهای اساساً متفاوت. مردم انقلاب کرده اصرار دارند از گذشته‌ای که در هم می‌کوبند فاصله بگیرند و نور را بیازمایند. در نتیجه من نگرانی‌ای از این بابت ندارم. ما قرار نیست همین جمهوری اسلامی را تحویل بگیریم و تعدیل و اداره کنیم. این مشکل اصلاح‌طلبان است. ما همراه یک انقلاب سیاسی و فرهنگی روی کار می‌آییم و همان روند هم مدیران جامعه راه، که در سیستم ما خود مردم انقلابی‌اند بدست میدهد. انسانها در نظامهای اجتماعی و سیاسی مختلف ظرفیتهای متفاوتی از خود بروز میدهند. به نظر من دشواری اصلی بر سر راه یک دنیای بهتر، نخواستن